

بیانات در مراسم مشترک دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) - 26 / فروردین / 1388

بسم الله الرحمن الرحيم

تبریک عرض میکنم به شما جوانان عزیز و فرزندان و نورچشمان عزیز این ملت، ورودتان را به عرصه ی پاسداری از ارزشهای انقلاب اسلامی.

دانشگاه افسری در آن واحد، هم کانون علم است، هم کانون جوشش جهاد است، هم جایگاه تربیت مردان مصمم و آهنین اراده است. علم و جهاد و ایمان و اراده ی مستحکم، وقتی با یکدیگر توأم بشوند، انسانهایی را خلق میکنند که دنیا میتواند به آینده ی خود، به برکت آن انسانها امیدوار باشد.

مشکل اصلی دنیای دوران انس، دنیای متجدد و مدرن، این بود که علم در این دنیا در خدمت فساد، در خدمت طغیان، در خدمت تجاوز قرار گرفت. دانش یک موهبت خدائی است. بزرگترین ناسپاسی در قبال این موهبت بزرگ این است که دانش را یک نسلی، یک ملتی، یک مجموعه ای در برهه ای از زمان در خدمت ظلم و طغیان و تعدی و سرکوب کردن ارزشهای انسانی قرار بدهند. و این اتفاق در دو سه قرن اخیر بخصوص و در ده ها سال گذشته در دنیا افتاد.

ملتگاهی به دانش دست پیدا کردند؛ این طبیعی است. دانش در طول تاریخ در میان ملتها دست به دست میگردد. یک وقتی مرکز دانش، مناطق شرقی جهان بود، یک وقتی هم مرکز دانش، مناطق غربی جهان شد. این ملتها وقتی به دانش دست پیدا کردند، دانش را در خدمت استعمار به کار بردند، در خدمت سرکوب ملتها به کار بردند. کشورهای زیادی با ملتهای بسیار انبوهی در شرق و غرب عالم - در آفریقا، در آسیا - به واسطه ی دانش کشورهای غربی سرکوب شدند؛ به استعمار کشیده شدند؛ نسلهای انسانی به اسارت گرفته شدند. سیاهان امروز آمریکا، فرزندان همان مستمندان هستند که به وسیله ی استعمارگران غربی از کشورهای آفریقائی به اسارت گرفته شدند؛ از میان خانه و زندگی و مزرعه و زیستگاه خودشان اینها را مثل حیوانات صید کردند و به کار سخت گماشتند و آواره کردند. این کار در سرتاسر دنیا، در شبه قاره ی هند، در منتهالیه آسیا، در دورانهای سیاه هم اتفاق افتاد. با علم خود، با دانشی که به دست آورده بودند و موهبت الهی بود، بندگان خدا و خلق خدا را به ذلت کشیدند؛ به ستم دچار کردند؛ زندگی های آنها را برای دورانهای طولانی تباہ کردند.

بعد هم از همین دانشهایی که در اختیار گرفتند - و هر دانشی مثل پله ای است از یک مجموعه ی پلکان. وقتی انسان یک پله بالا رفت، فرصت و امکان پیدا میکند که به پله ی بعد و پله های بعد هم دست پیدا کند؛ این هم طبیعی است - با بالا رفتن از پلکان علم، بمب اتم ساخته شد؛ سلاحهای شیمیائی ساخته شد؛ نسلهایی نابود شدند؛ انسانهایی به ماتم عزیزان خود نشستند؛ و دنیا آن چیزی شد که شما در جغرافیای سیاسی عالم مشاهده میکنید: تقسیم عالم به دو جناح زورگو و زورپذیر؛ ستمگر و ستم پذیر؛ آن هم با فاصله ی بسیار زیاد. این جغرافیای سیاسی عالم، جغرافیای فرهنگی عالم در دورانهای اخیر این قرنهای سیاه به این شکل رسید.

عزیزان من! انقلاب اسلامی عظیم ملت ایران یک قیام بزرگ بشری بر ضد این وضعیت بود. انقلاب ما فریاد اسلام بود؛ فریاد توحید بود؛ فریاد عدالت بود؛ فریاد کرامت انسان بود در این دنیای سرشار از ظلم که نعمتهای خدا، هدایای الهی به انسانها، وسیله ای قرار میگیرد برای سرکوب انسانها. انقلاب در مقابل یک چنین وضعیتی به وجود آمد.

آن کسانی که امروز به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران توصیه میکنند که به نظام جهانی برگردید، همان کسانی هستند که از وجود یک چنین حرکت عظیمی در میان یک ملت، آن هم در یک چنین موقعیت حساسی، ناراحت و سراسیمه اند. برگردید به نظام جهانی، یعنی تسلیم همین نظام غیر عادلانه بشوید؛ شما هم جزوی از نظام غیر عادلانه بشوید. این را از ملت ایران میخواهند.

ملت ایران سی سال است با قدرت، با اعتماد به نفس، با اعتقاد راستین و عمیق به خاستگاه ایمانی خود، به این درخواست جاهلانه، مجنونانه و غیر منطقی پاسخ «نه» داده است. فشارهایی که بر ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در طول این سی سال وارد کردند، به خاطر این بود که این انقلاب را از این جایگاه رفیع، از این خاستگاه معنوی و ملکوتی و انسان ساز پائین بیاورند. البته بدیهی است که نتوانستند و بدیهی است که نخواهند توانست. «بیریدون لیطفئوا نور الله بافواههم و الله متم نوره و لو کره الکافرون». (1) نور خدا، نور توحید، نور عدالت، نور احساس شرف به عبودیت خداوند، وقتی در دل انسانهایی، ملتی درخشید، هیچ دستی نمیتواند آن را خاموش کند. جوانان عزیز من! شما پاسداران یک چنین حقیقت مقدسی و هویت متعالی ای هستید. به آن افتخار کنید. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از دل پاکترین جوانان این کشور در نخستین روزهای انقلاب جوشید و سر بر آورد. شما عزیزان من، آن روزها را درک نکردید. آن جوانان، جوانانی در همین سنین شما بودند؛ جوانهای بیست ساله، هجده ساله، بیست و دو ساله. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را با عزم راسخ، با اراده ی فولادین، با یک ایمان شامخ و دست نیافتنی به وجود آوردند؛ از همان روزهای اول هم در میدانهای مجاهدت حضور پیدا کردند. جنگ تحمیلی را دشمن برای خاموش کردن انقلاب به راه انداخت، اما همین جنگ تحمیلی باعث شعله ورتن شدن نیروی انقلاب و روحیه ی انقلاب شد. این جوانهای عزیز در میدانهای جنگ، عظمت خودشان را باز یافتند؛ چشمه های درونی استعداد، در دلهای پاک و منور آنها جوشید؛ از آنها در سنین جوانی، سردارانی بزرگ، مجاهدانی نستوه، مردانی دارای تدبیر و متفکر ساخت که نظام جمهوری اسلامی تا همیشه ی همیشه به این جوانان و به رفتار آنها بدهکار است.

شما دنباله روان آن عزیزانید؛ جایگزینان آن رهروان مقدمید. این که گفتند: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» به معنای این است که زمان میگذرد، اما حوادث جاری در زندگی بشر، حقایق آفرینش دست نخورده است. در هر دوره ای انسانها نقشی دارند که اگر آن نقش را بدرستی، در لحظه ی مناسب، در زمان خود ایفاء کنند، همه چیز به سامان خواهد رسید، ملتها رشد خواهند کرد، انسانیت گسترده خواهد شد.

آن جوانها چنین کردند و نقش خودشان را ایفاء کردند. نتیجه این است که امروز بعد از گذشت چند ده سال از آن روزها، شما می بینید ملت ایران با ضرب دست آنها و با تلاشهایی که دنباله ی تلاش آنهاست، با رهنمودهای حقیقتاً پیامبرگونه ی امام بزرگوار، قله ها را یکی پس از دیگری فتح کرده و پیش رفته. روزهای جنگ، بخصوص سالهای آغازین جنگ را در نظر بیاورید و آن فقر تسلیحاتی، آن فقر مالی، آن فقر تجربی را در میان همین جوانان سپاه و بسیج، مقایسه کنید با پیشرفتهای امروز؛ پیشرفتهای علمی، تحقیقی و تجربی. شما در دانشگاه می آموزید، فرا میگیرید، خود را از لحاظ فکر و اندیشه و همچنین از لحاظ روحیه و اراده میسازید؛ در راه بسیار با عظمت و پرافتخاری قدم میگذارید. این دانشگاه یک چنین جائی است. به حضور در این دانشگاه و به فارغ التحصیلی این دانشگاه افتخار کنید؛ این را نعمت بزرگ خدا بشمارید، که هست؛ و آن را حفظ کنید و پیش بروید.

کشور شما به جوانان مؤمن نیازمند است. و امروز به لطف و تفضل الهی، علی رغم تلاش پی در پی دشمنان - که بیشتر هم بر روی جوانان این تلاشها متمرکز است - جوانان ما رو به سمت خدا و هدایت الهی دارند. به کوری چشم دشمن، جوان ما، جوان مؤمن است؛ جوان مؤمن امروز از جوان مؤمن صدر انقلاب - سی سال پیش و بیست و پنج سال پیش - اگر جلوتر نباشد، عقب تر نیست. آن کوره ی سوزان، آن تجربه ی عظیم جنگ تحمیلی که فرصتی برای بروز استعدادها بود، در مقابل هر نسل برجسته و پراستعدادی قرار بگیرد، معجزه خواهد کرد. امروز شما در عرصه ی دیگری هستید؛ در عرصه ی علم، در عرصه ی پیشرفت از لحاظ روحیه، سازندگی خود و کشور و آمادگی برای دفاع. دشمنان، قدرتهای بزرگ مستکبر جهانی - که دشمنان ملتها، نه فقط دشمن ملت ایران، دشمنان انسانیت و فضیلت هستند - اینها غالباً با تشر زندگی میکنند، با نشان دادن ابهت کارشان را به پیش میبرند؛ هیبت خودشان را بر ملتها تحمیل میکنند، با هیبت خودشان آنها را از میدان در میبرند. از هیبت ابرقدرتها نترسید. هیبت معنوی شما در دل آنها، بیشتر از هیبت مادی آنها در دل ملتهاست. شما وقتی به ایمان خود، به آمادگی های خود،

به دانش خود، به تدبیر خود، به حساب و کتاب مدبرانه و مدیرانه ی خود تکیه میکنید، آن وقتی که ارزشهای عظیم برآمده ی از دل انقلاب را اجر مینهید و به آنها اعتناء میکنید، ایمان خودتان را با آنها حفظ میکنید، آن چنان ابهتی در دل همه ی ملتها از شما حاصل میشود که از ابهت آنها در دل ملت‌های بی خبر بیشتر است. امروز دشمنان میدانند با ملت ایران، با این جوانان مؤمن، با این مردان مصمم، با این مسئولان و دولتمردانی که به پایبندی به ارزشها افتخار میکنند، ملت ایران با چنین سرمایه های ارزنده ای، از هیچ تشری، از هیچ هیبتی واهمه نمیکند. این را میدانند.

شما در کسوت با شکوه و شریف پاسداری، این باور را در دل دشمن هر چه بیشتر کنید. خودتان را از لحاظ معنوی بسازید. بندگی خدا، خشوع در مقابل خدا موجب میشود که انسان در مقابل هیچ زورگوئی خضوع نکند. دلی که مهابت الهی را، عزت الهی را درک کرده است، در خود احساس عزتی میکند که بزرگترین قدرتها در مقابل آن عزت، تاب مقاومت نمی آورند. عبودیت خودتان را روز به روز بیشتر کنید.

پروردگارا! این جوانان عزیز را، مجموعه ی رزمندگان اسلام را، مجموعه ی نیروهای مسلح را، ارتش و سپاه و نیروی انتظامی و بسیج و این مجموعه های مؤمن را به خود تو میسپارم. پروردگارا! الطاف و برکات خودت را بر آنها نازل کن.

والسّلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته

(1) صف: 8